

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسة فرهنگي فقه الثقلين

پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آية الله العظمى صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۶۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۰ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۲

نمبر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲

نمبر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰

نمبر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴

نمبر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰

نمبر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

www.saanei.org

آدرس اینترنت:

پست الکترونیک:

Istifta @ saanei.org

پاسخ به استفتائات

Saanei @ saanei.org

تماس با دفتر معظم له

Info @ saanei.org

تهیه کتاب

قمار، مسابقات و سرگرمی

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -
قمار، مسابقات و سرگرمی / برگرفته از نظریات مرجع عالیقدر حضرت
آیه‌الله‌العظمی صانعی مد‌ظله‌العالی / تدوین مؤسسه فرهنگی فقه‌التقلین. --
قم: میثم تمار، ۱۳۸۵.
۷۲ ص. -- (فقه و زندگی؛ ۶)
ISBN: 964- - - (دوره) ISBN: - - - (ج. ۳)
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فی‌با.
پشت جلد به انگلیسی:

کتابنامه: ص. - ؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. (فقه). الف. مؤسسه فرهنگی فقه‌التقلین. ب. عنوان.
ص / / BP
کتابخانه ملی ایران
۲۹۷ / ۳۷۵
۴۱۹۰۲ - ۱۴ م

فقه و زندگی

۶

قمار، مسابقات و سرگرمی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی صانعی مد ظله العالی

۱۳۸۵



انتشارات میثم تمار

قمار، مسابقات و سرگرمی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

ناشر: انتشارات میثم تمار

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ زیتون

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸

صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۷۷۳۲۹۸۲ - نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

Email: m-tammar@noornet.net

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
معنای مسابقه.....	۱۳
مسابقه با آلات قمار باگروگذاری و عوض.....	۱۷
الف. آیات.....	۱۹
ب. روایات.....	۲۳
مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض وگروگذاری	
.....	۲۵
قصور آیات.....	۲۶
قصور روایات.....	۲۹
مسابقه با غیر آلات قمار با عوض وگروگذاری.....	۳۳
۱. اجماع.....	۳۷
۲. صدق مفهوم قمار.....	۳۸
۳. روایات.....	۴۱

۴. آیات ۴۶

مسابقه با غیر آلات قمار بدون عوض و گروگذاری ۶۳

نتیجه ۶۷

کتابنامه ۶۹

مقدمه

از هنگامی که بشر خود را در کنار دیگر هم‌نوعان خود دیده و ارتباط با دیگران را موجب آسایش و پیشرفت خود احساس کرده، قسمتی از عمر خود را در مسابقات، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، در گذشته و حال گذرانده است.

منشأ این کار، علاوه بر سرگرمی، تفریح، احیاناً خوشگذرانی، پر کردن وقت، کسب درآمد و گاهی تحصیل سودهای کلان مادی بوده است. چه بسا اگر مسابقه و حس برتری‌جویی و نمایاندن محاسن خویش بر دیگران نبود، پیشرفتی در زندگی بشر و رسیدن به امکانات، رفاه و آسایش کنونی حاصل نمی‌شد، و یا اگر می‌شد، چنین سرعتی نداشت. امروزه افراد، شرکت‌ها، مؤسسات خصوصی و دولتی و بالاتر از آن کشورها با توجه به همین مسأله است که روز به روز محصولات پیشرفته‌تر، دقیق‌تر و با

امکانات بیشتر از آنچه دیگران تولید کرده‌اند به جوامع و استفاده‌کننده‌ها تقدیم می‌کنند. و در همین راستاست که هر از چند گاهی مسابقات علمی با جوایز ارزشمند، به منظور شناسایی نخبگان برگزیده می‌شود.

به هر حال، زمانی این مسابقات در پرتاب سنگ و نیزه و یا شکار خلاصه می‌شد و کمی بعد به زور آزمایی، کشتی و دویدن و بعدها به تیراندازی، اسب سواری و... رسید، تا بالأخره انسان‌ها برتری خود را در خطاطی و سرعت و قدرت حافظه و... به رخ یکدیگر کشیدند؛ به طوری که در زمان حاضر، شمارش موارد مسابقات کاری آسان نخواهد بود.

امروزه در همه جای دنیا مسابقات برپا شده و همه انسان‌ها، متناسب با فرهنگ و اقلیم خود، پذیرا و مجری آن شده‌اند. این تعدد و تنوع، مبنای افکار و اهدافی غیر از آن چیزی است که بشر اولیه را برانجام آن وامی‌داشت. امروزه انگیزه این برنامه‌ها صرف سرگرمی، تفریح، ورزش و یا وقت‌گذرانی نیست؛ که اهداف بزرگ سیاسی، فرهنگی و خصوصاً اقتصادی را در پی دارد، که درک آنها بر کمتر کسی پوشیده است. چرا این گونه نباشد، در حالی که بخش وسیعی از برنامه‌های تلویزیونی، شبکه‌های ماهواره‌ای،

روزنامه‌ها، مجلات و سایر وسایل ارتباط جمعی به این گونه امور اختصاص دارد. با کمی تأمل می‌توان دریافت که چه درآمدهای کلان و سودهای فراوانی از برپایی این مسابقات حاصل شده و چه مشاغل و کارهای دیگری - که فقط به برپایی این مسابقات وابسته هستند - ایجاد شده و به نحوی بسیاری از جوامع مختلف، پیر و جوان، زن و مرد، کودک و نوجوان از جوامع اسلامی گرفته تا غیر آن را مشغول خود ساخته است.

و از همه مهم‌تر این که در این میان، طیفی از متدینان، خواسته و ناخواسته، درگیر این برنامه‌ها شده‌اند، و همان‌طور که گفته شد، جوامع اسلامی نیز به عنوان واقعیتهای خارج از کنترل با آن مواجه‌اند و همین امر، صاحبان فرهنگ و متولیان دین را بر آن داشته که این مسأله را از منظر دین مورد کنکاش قرار داده، به بررسی آن از این دیدگاه بپردازند.

گفتنی است که ادیان نیز از تشویق به برپایی مسابقات فروگذار نکرده و به ترویج برخی آنها پرداخته‌اند. شتردوانی، تیراندازی، و اسب‌دوانی مورد تأیید دین اسلام قرار گرفته و روایات بر جواز آنها - چنان که خواهد آمد - بسیار است.

در گذشته و حال سؤالاتی ذهن متدینان و مستشرعان از طرفی، و فقها و دانشمندان را،

به عنوان متولیان امور دینی ایشان، از طرفی دیگر، مشغول خود ساخته است. این سؤالات را، در میان نوشته‌ها و گفتارها، به خوبی، می‌توان یافت؛ سؤالاتی از قبیل:

۱. آیا حضور در محل برگزاری مسابقات و پرداختن پول بلیط جایز است؟ آیا این مسابقات از مصادیق لهو و لعب به شمار می‌آیند؟

۲. آیا مسابقات مورد تأیید و منصوص را می‌توان با تنقیح مناط و توسعه ملاک، به ابزار و مسابقات متناسب امروزه گسترش داد و مثلاً کشتی، تکواندو، کاراته، موتور سواری، اتومبیل رانی و تیراندازی با سلاح‌های امروزی را با ملاک تقویت قوای روحی و دفاعی و آمادگی جنگی با اسب دوانی و تیراندازی سنجید؟

۳. آیا درآمد به دست آمده (گروگداری و شرط بندی) از این مسابقات حرام است؟

۴. اگر این مسابقات اهدافی غیر از برنامه‌های اقتصادی داشته باشند، چه؛ مثلاً برنامه‌هایی چون گسترش و تبلیغ فرهنگ ملل اسلامی یا تقویت بنیه علمی افراد و یا شناسایی نخبگان و رسیدگی به امور آنها؟

۵. مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن و... چه حکمی دارند؟

۶. آیا به نظر نمی‌رسد ذکر تیراندازی، شتردوانی و اسب سواری در روایات از باب ذکر مصادیق و نمونه

باشد و با تغییر شرایط مصادیق و نمونه‌ها تغییر کند؟
۷. آیا با ابزار و آلاتی که قمار بازی می‌کنند،

می‌توان فقط برای سرگرمی بازی کرد؟

۸. آیا با ابزار و آلاتی که در زمان حاضر وسیله
قمار شده‌اند، ولی در زمان‌های گذشته اثری از آنها

نبوده، می‌توان برای سرگرمی بازی کرد؟

۹. اگر اصل مسابقات و شرط‌بندی و گروگذاری

در آنها نامشروع است چگونه است که در عرف

جوامع متدین و متشرع همیشه پابرجا بوده، ولی منع

خاصی از طرف علما و بزرگان صورت نپذیرفته

است؟! آیا این بزرگان چاره‌ای بر این مسائل اندیشیده

بوده‌اند یا خیر؟

ما به این سؤالات و سؤالات دیگر در این موضوع

از دیدگاه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی

صانعی - ادام الله ظلّه - پاسخ خواهیم داد. نگرشی نو

از منظر فقه پویا متناسب با تغییر شرایط و با تکیه بر آرا

و نظریات سلف صالح، و برگرفته از کتاب، سنت و

عقل - ان شاء الله.

معنای مسابقه

مسابقه از ریشه «سَبَقَ»، به معنای پیش افتادن و

سبقت گرفتن است^۱ و اصل مفهوم پیشی گرفتن و

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۸۱۸.

رقابت در همه چیز در آن نهفته است.^۱ در قرآن و روایات، ماده «سبق» و مشتقات آن به همین معنا و مفهوم به کار برده شده است.

در سوره یوسف این چنین می خوانیم:

﴿إِنَّا نَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْعِنَا﴾^۲؛

ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم.

و در آیه ای دیگر از همین سوره می بینیم:

﴿وَأَسْتَبِقَا الْبَابَ﴾^۳؛

و هر دو به سوی در دویدند.

و در سوره «یس» می خوانیم:

﴿فَأَسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ﴾^۴؛

سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند.

لسان العرب به نقل از الازهری می گوید:

استباق در آیه اول به معنای تیراندازی و در آیه دوم به معنای جلو افتادن در رسیدن به هدف و در آیه سوم به معنای رد شدن، پشت سر گذاشتن و عبور است که معنا و مفهوم مسابقه

۱. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۷.

۳. سوره یوسف، آیه ۲۵.

۴. سوره یس، آیه ۶۶.

و مفهوم پیشی گرفتن در دو آیه اول کاملاً
مشهود است.^۱

البته در سوره «بقره» می خوانیم:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾^۲؛

در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت
جوئید.

که به معنای شتاب کردن و سرعت است.

از دیگر کاربردهای این ریشه در قرآن عبارت‌اند از:

﴿فَالسَّيِّئَاتِ سَبَقًا﴾^۳؛

و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند.

﴿لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ﴾^۴؛

اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ
امتی را کیفر ندهد)، به خاطر چیزی (اسیرانی) که
گرفتید، مجازات بزرگی به شما می‌رسید.

﴿وَالسَّيِّئُونَ السَّيِّئُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^۵؛

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگام‌اند، آنها
مقربان‌اند.

۱. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳. سوره نازعات، آیه ۴.

۴. سوره انفال، آیه ۶۸.

۵. سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱.

کاربرد این واژه به این معنا و مفهوم در روایات فراوان بوده، که به بررسی آنها خواهیم نشست.

در اصطلاح فقه «سَبَق» به عقدی اطلاق می‌شود که به منظور پیشی گرفتن و غلبه بر دیگری در موارد تعیین شده از طرف شارع در مقابل چیزی که به برنده تعلق خواهد گرفت با حفظ شرایط آن منعقد می‌گردد.

به طور کلی، فقهای بزرگی چون مرحوم شیخ انصاری^۱ و به تبع آن، مرحوم سید احمد خوانساری^۲ و مرحوم آقای خویی^۳ کلیه مسابقات را به چهار گروه تقسیم کرده و از این مجرا به بررسی احکام آن پرداخته‌اند:

۱. مسابقه با آلات قمار با عوض و گرو،
 ۲. مسابقه با آلات قمار بدون عوض و گرو،
 ۳. مسابقه بدون آلات قمار با عوض و گرو،
 ۴. مسابقه بدون آلات قمار و بدون عوض و گرو،
- یعنی مطلق مغالبه و مسابقه.

۱. المكاسب المحرمة، شیخ انصاری^{رحمه}، ص ۴۷.

۲. جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷.

۳. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۶۸.

مسابقه با آلات قمار با گرو گذاری و عوض

بعضی از اهل لغت گفته اند:

القمار رهن الشيء على اللعب بشيء من
الآلات المعروفة؛^۱

قمار عبارت است از بازی با آلات معروفه همراه
با گرو گذاری و عوض.

که مرحوم شیخ انصاری رحمته الله در مکاسب به آن اشاره
کرده است.^۲

حرمت لعب و مسابقه با آلات قمار بین
علمای اسلام (خاصه و عامه) اجماعی است؛
چنان که مرحوم علامه رحمته الله در منتهی المطلب فرموده و
فقط شافعی را در بازی با شطرنج مخالف این اجماع
می داند.^۳

۱ . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

۲ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷.

۳ . منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، کتاب التجارة،
ص ۱۰۱۲.

و نیز مرحوم شهید ثانی رحمته الله در مسالك الافهام
می نویسد:

مذهب الاصحاب تحرم اللعب بآلات القمار
كلها، من الشطرنج و النرد و الاربعة عشر و
غيرها. و وافقهم على ذلك جماعة من العامة
منهم ابو حنيفة و مالك و بعض الشافعية؛^۱
روش فقاہتی علمای مذهب (شیعه) به گونه ای
است که بازی با کلیه ابزار و آلات قمار را حرام
می دانند و بر این مسأله، رأی موافق جماعتی از
عامة مثل ابو حنيفة و مالك و بعضی از شافعية
همراه آنان است.

مرحوم شیخ انصاری رحمته الله هم فرموده است:
و لا اشكال فی حرمتها و حرمة العوض و
الاجماع علیها تحقق و الاخبار به متواترة؛^۲
هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت این قسم
از بازی ها و حرمت عوض آنها نیست و اجماع
بر آن محقق شده و اخبار در مورد آن متواتر
است.

و نیز سید احمد خوانساری رحمته الله می نویسد:
اللعب بآلات القمار مع الرهن و لا اشكال فی

۱. مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

۲. المكاسب المحرمة، ص ۴۷.

حرمته و حرمة العوض للاجماع و الأخبار؛^۱
هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت بازی با
آلات قمار با عوض و گرو گذاری در آنها
نیست؛ همچنین است حکم عوض آنها. و دلیل
بر آن، اجماع و اخبار است.

الف. آیات

در کتب فقهی آیات دلالت کننده بر حرمت این
قسم از مسابقات را این گونه می آورند:

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ
الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟^۲

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و
بت‌ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از
عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار
شوید. شیطان می خواهد به وسیله شراب و
قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و
شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این

۱. جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷.

۲. سوره مائده، آیه ۹۰ - ۹۱.

همه زیان و فساد، و با این نهی اکید) خودداری
خواهید کرد؟!!

مرحوم علامه رحمته الله در منتهی المطلب می فرماید:
و فی هذه الآية دلالة علی تحريم الخمر و
القمار من عشرة اوجه؛^۱
و این آیه بر حرمت خمر و قمار به ده وجه
دلالت دارد.

البته هیچ اشاره‌ای به این وجوه نمی‌کند، ولی آنها
را می‌توان این گونه بر شمرد:

۱. رجس: پلید است.
۲. من عمل الشیطان: از عمل شیطان است.
۳. فاجتنبوه: از آنها دوری کنید.
۴. مجاورت و مقارنت میسر با خمر (شراب)
و انصاب (بت پرستی) که هر دو حرمتشان قطعی
می‌باشد.
۵. لعلکم تفلحون: تا رستگار شوید.
۶. انما یرید الشیطان أن یوقع بینکم العداوة:
شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما
عداوت ایجاد کند.
۷. والبغضاء: و کینه ایجاد نماید.

۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، کتاب التجارة، ص
۱۰۱۲.

۸. و یصدکم عن ذکر الله: و شما را از یاد خدا باز دارد.

۹. عن الصلوة: و از نماز باز دارد.

۱۰. فهل انتم متتهون: آیا با این همه زیان و فساد خود داری خواهید کرد؟

لسان العرب به نقل از قول مجاهد می گوید:

كل شيء فيه قمار فهو من الميسر حتى لعب الصبيان بالجوز؛^۱

هر چه در آن قمار باشد میسر محسوب می شود حتی بازی کودکان با گردو.

یعنی هر چیزی که در آن قمار باشد، میسر است و گفته شد که قمار، بازی با ابزار و آلات آن با عوض و گرو گذاری است؛ بنابراین، دلالت آیه بسیار روشن است.

مقدس اردبیلی می فرماید:

ثم اعلم ان ظاهر الآية تحريم الخمر و كل مسكر مطلقاً و كذا كل قمار و ميسر...؛^۲
بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و میسر دلالت می نماید.

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۸.

۲. زیادة البيان فی احکام القرآن، ص ۶۳۱.

آیه دیگری که دلالت بر حرمت این قسم از مسابقات دارد، این آیه شریفه است:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾^۱

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منفعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است».

علاوه بر ظاهر این آیات، روایات رسیده در تفسیر آنها نیز هستند؛ مانند خبر ابراهیم بن عنبسه:

و عن حمدويه، عن محمد بن عيسى قال: كتب ابراهيم بن عنبسه يعني الى علي بن محمد عليه السلام ان رأى سیدی و مولای ان یخبرنی عن قول الله - عزوجل - ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ﴾ الآية، فما الميسر - جعلت فداك - ؟ فكتب: كلما قومر به فهو الميسر و كل مسكر حرام؛^۲ درباره میسر در آیه شریفه از امام هادی علیه السلام در نامه‌ای سؤال شد و حضرت در جواب نوشتند: هر چیزی که با آن قمار شود، میسر است و هر مست‌کننده‌ای حرام.

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۵.

یا خیر ابی الجارود در تفسیر آیه «انما الخمر و
المیسر...» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که:
و اما المیسر فالنرد و الشطرنج و کل قمار
میسر و...؛^۱
و اما میسر، نرد و شطرنج و هر قماری میسر
است و...

ب. روایات

اما روایات دلالت کننده بر حرمت بازی و مسابقه
با ابزار و آلات قمار باگرو گذاری و عوض مستفیض،
بلکه متواترند.^۲ علاوه بر دو روایت ذکر شده، به چند
روایت دیگر نیز اشاره می کنیم:

صحیحة محمد بن مسلم، عن احدهما علیهما السلام قال:
«لا تصلح المقامرة و لا النهبة»؛^۳

قمار و غارت اموال، سزاوار و به صلاح نیست.
این سخن قابل پذیرش نیست که «لا تصلح» اعم از
حرمت و کراهت است؛ چون متعلق «لا تصلح» چیزی
است که دلالت بر حرمت می کند و آن «نهبه» یعنی
غارت اموال است که نمی توان در مورد آن، حکم به
کراهت نمود. پس، به قرینه مجاورت، حکم به حرمت

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲۲.

۲. المكاسب المحرمة، ص ۴۷.

۳. الکافی، ج ۵، باب القمار و النهبة، ص ۱۲۳.

مقامره می شود.

موثقه سکونی، عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

كان ينهى عن الجوز يجيء به الصبيان من
القمار ان يؤكل و هو سحت؛^۱

حضرت از خوردن گردوهایی که کودکان از
قمار حاصل می کردند، نهی نموده و فرمودند
حرام است.

صحيحه و شاء، عن ابی الحسن علیه السلام قال سمعته
يقول:

الميسر هو القمار؛^۲

میسر همان قمار است.

بنابر آنچه گفته شد، حرمت صورت اول مسابقات،
یعنی برد و باخت با ابزار و آلات قمار با شرط عوض و
گروگذاری، از ضروریات فقه و قدر متیقن از آیات،
روایات و اجماع است.

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۲۴.

مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض و گروگذاری

حرمت این قسم از بازی‌ها و مسابقات مثل بازی برای سرگرمی با شطرنج و ورق - که امروزه هم خیلی رایج و مورد ابتلاست - از دیدگاه برخی از بزرگان مانند فقیه دقیق و متقی، مرحوم سید احمد خوانساری رحمته الله علیه مورد تشکیک قرار گرفته است؛ آنجا که می‌فرماید:

اللعب بآلات القمار من دون رهن قد یشکّ فی
حرمته ...؛^۱

حرمت بازی با آلات قمار، بدون عوض و گرو
گذاری، مسلم نبوده و مورد تشکیک است.

همچنین مقدس اردبیلی رحمته الله علیه می‌فرماید:

ثم اعلم ان ظاهر الآیة تحريم الخمر و کل
مسکر مطلقاً و کذا کل قمار و میسر لکن مع

۱. جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸.

اخذ الرهن...؛^۱

بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست
کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و میسر (بازی با
ابزار و آلات قمار) به شرط عوض و گرو گذاری
دلالت می نماید.

شیخ انصاری رحمته الله نیز می فرماید:

در این که بازی با آلات قمار اما بدون عوض و
گرو گذاری را جزء مصادیق قمار بشماریم، تأمل
و نظر است.^۲

البته شطرنج و نرد را از این قاعده مستثنا کرده و
مطلق بازی با آنها را جایز نمی داند.
برای جواز و حلیت این قسم مسابقات به اصل و
قصور ادله حرمت از این قسم بازی ها استدلال
می شود:

قصور آیات^۳

الف. آیه شریفه:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ

۱. زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

۲. المكاسب المحرمة، شيخ انصاری رحمته الله، ص ۴۸.

۳. از آنجا که ما آیه ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ را حتی دلیل
حرمت در قسم اول نمی دانستیم، چون آیه تنها دلیل بر حرمت اكل
مال است و هیچ دلالتی بر حرمت فعل ندارد، در اینجا نیز متعرض
این آیه نمی شویم.

وَمَنْفَعٍ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا^۱؛

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو:
«در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منفعی (از
نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها
از نفعشان بیشتر است».

این آیه در خود، قرینه دلالت‌کننده بر حرمت مال و
عوض دارد و این آیه به وجوهی که ذیلاً اشاره می‌شود،
قاصر از دلالت بر حرمت فعل بازی و مسابقه است:

۱. منسب به ذهن از منافع «میسر» همان منفعت
مالی و مادی آن است؛ چنان‌که متعارف از منافع خمر
نشئگی و با نشاط شدن است، هر چند منافع این دو
اعم از این‌هاست؛ اما متبادر به ذهن در خمر منفعت
روحي و در قمار منفعت مالی است.

۲. این سخن هم قابل پذیرش نخواهد بود که
منفعت اعم از منفعت مالی و سرگرمی و تفریح در این
گونه مسابقات است؛ چرا که ظاهر از میسر به قرینه
وحدت سیاق، منفعت مالی و مادی آن است؛ چون
خمر عین است، پس میسر هم عین باید باشد.

۳. این که مقتضای اشتقاق «میسر» - که از یسر
گرفته شده - آن میسری است که در آن منفعت مالی در
کار باشد؛ چنان که در عبارت مقدس اردبیلی رحمته به آن

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

تصريح شده است: «على ما فهم من اشتقاقه...»^۱ که این عبارت اشاره به کلام زمخشری در الکشاف دارد و مرحوم مقدس بالله خود نیز این گونه به آن اشاره می‌فرماید:

قال في الكشاف: الميسر القمار، مصدر من يسر كالموعد و المرجع عن فعلهما، ... و اشتقاقه من اليسر لأنه اخذ مال رجل بيسر و سهولة من غير كد و تعب او من اليسار لانه سلب يساره؛^۲ زمخشری در الکشاف می‌گوید: میسر قمار است، مصدری از ریشه يسر مانند موعد از «وعد» و مرجع از «رجع»... و اشتقاق آن بدین جهت است که فرد برنده به سهولت و آسانی و بدون رنج و تلاش، مالک عوض از مالباخته می‌شود و اگر ریشه آن يسار باشد، بدین جهت است که توسط آن سلب آسایش مالباخته می‌شود.

پس همان‌طور که گفتیم، پایه و رکن میسر جهت مالی آن است.

ب. آیه‌ای که می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ﴾

۱. زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

۲. همان، ص ۶۲۸؛ الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۱.

وَأَلْبِغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ؛^۱

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟!

این آیه علت حرمت را ایجاد عداوت و بغض از طرف شیطان بیان کرده است. این ادعا برای جایی صحیح است که مالی در بین باشد؛ زیرا این مال است که از دست دادن آن و یا به دست آوردن آن موجب دشمنی و کینه می شود و الا صرف سرگرمی و تفریح موجب این مسائل نمی شود و تمام مفسد در بازی با عوض است؛ چنان که به این نکته نیز مرحوم سید احمد خوانساری رحمته الله اشاره کرده است.^۲ پس این آیه هم قاصر از دلالت بر حرمت لعب به آلات و ابزار قمار بدون عوض است.

قصور روایات

روایات دلالت کننده بر حرمت قمار و میسر شامل این نحوه از لعب؛ یعنی بدون عوض نمی شود؛

۱. سوره مائده، آیه ۹۱.

۲. جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸.

چنان‌که مرحوم شیخ انصاری رحمته الله علیه به این مطلب تصریح فرموده است و ما قبلاً به آن اشاره کردیم:

الثانية اللعب بآلات القمار من دون رهن، و في صدق القمار عليه نظر لما عرفت، و مجرد الاستعمال لا يوجب اجراء احكام المطلقات و لو مع البناء على اصالة الحقيقة في الاستعمال لقوة انصرافها الى الغالب من وجود الرهن في اللعب بها؛^۱

قسم دوم، بازی با آلات قمار بدون عوض است که در صدق قمار بر آن محل تأمل و نظر است. و این‌که قمار در این معنا و مفهوم به کار رفته (صرف استعمال) موجب اجرای احکام ادله مطلق قمار بر آنها نمی‌شود؛ اگر چه قایل به اصالت حقیقت در استعمال لفظ شویم؛ چون این ادله به آن مواردی که در آنها عوض و گروگذاری باشد، منصرف‌اند.

همان‌طور که از برخی لغوی‌ها نقل شده^۲ آنها قمار را به مواردی که بازی با آلات قمار با عوض باشد، اختصاص داده‌اند.

اگر اشکال شود که بازی با آلات و ابزار قمار،

۱. المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

۲. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

تقویت باطل و وهن حق است، چنان‌که مرحوم امام خمینی علیه السلام به نقل از مرحوم علامه مجلسی علیه السلام این طور فرموده‌اند،^۱ در جواب خواهیم گفت که بازی با این آلات برای تفریح و سرگرمی برای جلوگیری از ارتکاب قمار واقعی (بازی با عوض) و یا سایر محرمات، واقعاً باعث تضعیف حق و تقویت باطل نخواهد بود؛ خصوصاً اگر اغراض عقلایی در آن نهفته باشد.

با قصور ادله حرمت از شمول این مورد و اصل اباحه، حلیت قسم دوم از مسابقات، یعنی بازی و مسابقه با آلات و ابزار قمار بدون عوض و گروگذاری متصور خواهد بود.

۱. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۰؛ تحف العقول، ص ۳۳۳.

مسابقه با غیر آلات قمار با عوض و گروگذاری

این مسابقات خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. آنچه که در شرع مقدس از آن به عنوان مسابقات جایز نام برده شده و برگروگذاری در آنها نیز صحه گذاشته است.

۲. آنچه که شرع مقدس در خصوص آن ساکت است و هیچ تعرض و تصریحی در روایات نسبت به آنها نمی‌بینیم.

همان‌طور که می‌دانیم در صدر اسلام، چه در زمان پیامبر اسلام ﷺ و چه بعد از وجود مبارک حضرتش، مسلمانان با جنگ‌های زیادی روبه‌رو شدند. این موقعیت ایجاب می‌کرد که مسلمانان، چه از نظر ابزار و وسایل دفاعی و جنگی و چه از نظر قوای فکری و بدنی در شرایط مناسب و آمادگی رزمی خوبی قرار داشته تا در وقت مناسب و گاه لزوم جنگ یا دفاع، از توانایی لازم برخوردار باشند. از این رو است که

خداوند تبارک و تعالی خطاب به مؤمنین چنین می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ
دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾^۱

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد.

از آیه فوق یک اصل کلی و قانون همیشگی مبنی بر ترویج و تشویق بر داشتن آمادگی رزمی و بالا بردن توانایی‌های نظامی و قوای دفاعی و رزمی مسلمانان برداشت می‌شود. ضرورت توانمندی در برابر دشمن یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است. این ضرورت در زمانی بیشتر در سوارکاری و تیراندازی بود و اکنون

۱. سوره انفال، آیه ۶۰.

دیگر بسیاری از عوامل مؤثر در قدرت و قوت جوامع تغییر کرده است. اگر روزی آن را در داشتن سربازان، اسبان و تیراندازهای بیشتر و قوی می‌دانستند، اکنون قدرت یک جامعه را علاوه بر داشتن قوای نظامی و ابزار و آلات متناسب و به روز، بالا بودن سطح دانش آن جامعه و وسعت و گسترش و برخوردارگی همه افراد آن از علم و در برخوردارگی تک تک افراد از فن‌آوری و دانش روز و جایگاه و نحوه تعامل دیگر جوامع در ابعاد بین‌المللی با آن می‌دانند؛ چرا که حتی برخوردارگی از قوای نظامی بیشتر، سرچشمه گرفته از داشتن قوای فکری و علمی بیشتر است و بین این دو وابستگی بسیاری است. بنابراین، به نظر می‌رسد با تغییر مقتضیات زمان و مکان، آمادگی و تقویت در برابر دشمنان نیز دارای مصادیق متفاوت از آن زمان‌هاست و در نتیجه، آمادگی در این جهات نیز ضروری و مورد لزوم است. الآن این پرسش مطرح است که آیا در شرایط کنونی، میزان قدرت و توانایی کشورها را به میزان توانمندی آنها در سوارکاری و تیراندازی می‌سنجند و یا ملاک قدرت در بین آنها به میزان بهره‌مندی افراد و بالانحص جوانان از فن‌آوری روز، بهره‌مندی آنها از علوم مختلف روز و میزان رفاه و آسایش تک تک افراد جامعه است؟

امروزه، به واقع، هر کشوری از گسترش هر چه بیشتر علم و فن‌آوری در بین ملت خود و خصوصاً جوانان بهره‌مندی فزون‌تری داشته باشد، از قدرت بالاتری برخوردار است. پس آن ضرورت مورد اشاره در آیه ایجاب می‌کند که مسلمانان نیز خود را به این قدرت‌ها و امکانات و ابزار و آلات لازم آن، مجهز نمایند و از اسباب و مقدمات مهم رسیدن و تجهیز به این امور، برگزاری مسابقات با در نظر گرفتن جوایز ارزشمند برای تشویق و ترغیب یا شناسایی افراد نخبه است. پس آیا از این آیه - که بر اصل ثابت و تغییر نیافتنی لزوم آمادگی همیشگی در برابر دشمنان تأکید می‌کند - می‌توان بر جواز این نحوه از مسابقات استفاده کرد؟

به هر حال، روایات بسیاری در جواز مسابقاتی مثل سوارکاری، تیراندازی رسیده که علاوه بر اصل جواز این مسابقات، شرط‌بندی و گروگذاری در آنها را جایز می‌شمارند. ما به خاطر کوتاهی مجال و روشنی و کثرت روایات دلالت‌کننده بر جواز از ذکر آنها صرف نظر می‌نماییم. چنان‌که در اول بحث گفتیم فقهای عظیم‌الشان کتابی را در فقه به نام «کتاب السبق و الرمايه» به این موضوع اختصاص داده و به طور مفصل به بحث درباره آن پرداخته‌اند.

ما در اینجا در صدد آن هستیم تا به یک سؤال مهم پاسخی مناسب دهیم. آن سؤال این است که در حال حاضر، با توجه به گسترش مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن، خطاطی، مسابقات ورزشی مختلف، فوتبال، والیبال، کشتی و تکواندو و مسابقات علمی متعدد در بین مسلمانان، این مسابقات چه حکمی دارند و درآمد حاصل از آنها نیز چه حکمی خواهد داشت؟

با بررسی ادله قایلان به حرمت و اثبات ناتمامی آنها بر آنیم تا راه حلی بر این مسأله مورد نیاز ارائه نماییم.

۱. اجماع

یکی از ادله حرمت، اجماع است؛ چنانکه سید علی طباطبایی رحمته الله علیه صاحب ریاض آن را نقل کرده و حجت هم می‌داند:

فالمنع اظهر، لحجية الاجماع المنقول، سيما مع التعدد، و الاعتضاد بالشهرة، و...^۱

حرمت ظاهرتر است؛ چون اجماع منقول در این موضوع، خصوصاً با تعدد و تکرار نقل‌ها حجت است.

اشکالی که به این اجماع وارد است، آن است که

۱. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

اجماع در یک مسأله اجتهادی بوده و بعید نیست ناشی از همان مسائل اجتهادی باشد و همان طور که در جای خودش ثابت شده، اجماع مدرکی حجت نیست و باید مدرک این اجماع، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. حضرت امام خمینی علیه السلام نیز به این مسأله اشاره فرموده‌اند:

لكن الاعتداد بها لا يجوز...^۱

اشکال دیگر ایشان به این اجماع این است که شاید نقل این اجماع، از اجتهاد در کلمات اصحاب حاصل شده باشد؛ به این معنا که استظهار حرمت تکلیفی از آرا و فتاوی آنها شده باشد، در صورتی که مراد همه ایشان و یا حداقل بعضی از ایشان حرمت وضعی است؛ پس نقل اجماع و یا نقل این گونه عدم خلاف اعتباری ندارد.^۲

۲. صدق مفهوم قمار

دلیل دوم قایلان حرمت، این است که یکی از مصادیق و موارد قمار، همین گونه مسابقات است و عنوان قمار هم بر این بازی‌ها صدق می‌کند. مستدل به این دلیل هم مرحوم سید علی طباطبایی علیه السلام در ریاض^۳

۱. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

و به دنبال ایشان مرحوم آقای خویی رحمته الله در مصباح
الفقاهه است:

صدق مفهوم القمار عليه بغير عناية و علاقة،
فقد عرفت ان الظاهر من اهل العرف و اللغة ان
القمار هو الرهن على اللعب بأى شىء كان؛^۱
مفهوم قمار بر این بازی‌ها بدون مشکل و
احتیاج به قرینه صدق می‌کند و همان‌طور که
قبلاً گفته شد، ظاهر کلمات اهل لغت و عرف بر
این بود که قمار عبارت است از بازی و مسابقه با
گروگذاری با هر چیزی.

اولاً، بر هر متبعی روشن است که حتی اگر بر
فرض، قمار بر بازی با آلات قمار بدون عوض صدق
کند؛ قطعاً بر این موارد صدق نمی‌کند. اما از جهت
لغوی - که از بعض لغوی‌ها نقل شد - قمار فقط به
بازی‌های با آلات قمار با عوض گفته می‌شود^۲ و
بعضی دیگر هم بدون عوض را، از آن شمرده‌اند. و
شمول آن بر این موارد بسیار مشکل است. و اما از
جهت عرفی، ما سراغ نداریم که به مسابقاتی مثل
دویدن، کشتی، خطاطی و حفظ و قرائت قرآن، کسی
لفظ قمار بازی را اطلاق کرده باشد.

۱. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

ثانیاً، اگر از اشکالات اول صرف نظر کنیم و حرمت مسابقه با عوض و گروگذاری با هر چیز و شیئی را بپذیریم، این اشکال مطرح می‌شود که مسابقاتی چون دویدن، فوتبال و کشتی فعل و عمل است، و لیکن آن تعریفی که ارائه شد، مسابقه با شیء و آلت را مشکل می‌دانست؛ شاید «حتی الکعب و الجوز»^۱ اشاره به همین دارد. شاهد بر این مطلب که اینها از موارد قمار نیست، عبارتی است که در ادامه ایشان می‌فرماید:

و اذا صدق علیه مفهوم القمار شملته المطلقات
الدالة على حرمة القمار و الميسر و الازلام، و
حرمة ما اصيب به من الاموال غاية الامر ان
الموارد المنصوصة في باب السبق و الرماية
قد خرجت عن هذه المطلقات؛^۲

وقتی این بازی‌ها از مصادیق قمار به شمار آیند، مشمول ادله مطلق حرمت قمار شده، در نتیجه، اموال حاصل از آن نیز حرام خواهد بود. و مواردی که در باب سَبَق و رمایه هست، از این ادله با ادله دیگری - که همان روایات است - خارج شده‌اند.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

محل شهادت این است که لسان ادله حرمت قمار،
 آبی از تخصیص است و آن شدت و حدت در حرمت،
 تخصیص بردار نیست. همان طور که گفتیم آیه:

﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رَجْسٌ

مِنَ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی
 بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از
 آنها دوری کنید تا درست‌گزار شوید!

به وجوه مختلف دلالت بر حرمت می‌کرد و
 شاید کمتر آیه‌ای در بیان حرمت با این شدت
 و عظمت و منفوریت آمده است. آیا این لسان و این
 شدت لحن قابل تخصیص است، که بگوییم قمار
 بازی به شدت حرام، اما قمار بازی در سه مورد اشکال
 ندارد؟

۳. روایات

روایاتی که شیخ به آنها استدلال فرموده است:

۱. خبر علاء بن سیابه:

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَأَبَأْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ
 بِالْحَمَامِ وَ لَأَبَأْسَ بِشَهَادَةِ صَاحِبِ السَّبَاقِ
 الْمَرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ أَجْرَى
 الْخَيْلَ وَ سَابِقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ

۱. سوره مائده، آیه ۹۰.

الرَّهَانَ فِي الْخُفِّ وَالْحَافِرِ وَالرَّيْشِ وَمَا سِوَى
ذَلِكَ قِمَارٌ حَرَامٌ؛^۱

شهادت کبوترباز مورد قبول است و همین طور کسی که بر آن شرط بندی و گروگذاری نماید. همانا رسول خدا اسبها را به راه انداخت و مسابقه داد و می فرمود: در مسابقه و شرط بندی بر شتردوانی، اسب سواری، و کبوتر بازی یا تیراندازی ملائکه حاضرند و هر چه غیر از این قمار و حرام است.

دلالت این روایت قابل خدشه نیست و در این که مسابقه های با عوض حرام است، مانند نص است؛ لکن ضعف سند دارد؛ چون علاء بن سیابه مجهول است.^۲

۲. خبر علاء بن سیابه:

... ان الملائكة لتنفرن عند الرهان و تلعن صاحبه
ما خلا الحافر و الخف و الريش و النصل...^۳
در مسابقه های با عوض و گروگذاری ملائکه حاضر نشده و بر مسابقه دهندگان لعن می فرستند، مگر اسب دوانی، شتردوانی، کبوتربازی و تیراندازی....

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

۲. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۷۲.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

این روایت هم مثل روایت گذشته اولاً ضعیف سند دارد و ثانیاً تنفر و لعنت ملائکه دلیل بر حرمت نیست و اعم از حرمت است.

حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - می فرماید:
لعن خدا و ملائکه و رسول خدا ظهور در حرمت دارد. وقتی ملائکه لعن می کنند، یعنی کار حرام است و در قرآن قریب به چهل بار این واژه به کار رفته که همگی در امور یا اشخاصی است که عذاب داشته اند؛ مثل کفار و منافقین، و در امور مکروه کاربرد نداشته است.^۱

لکن اشکال ما این است که اولاً در تمامی موارد کاربرد لعن در قرآن، این افعال قبل از تعلق لعن به آنها حرمتش روشن و واضح بوده است، و این طور نیست که با لعن حرمت آنها ثابت شده باشد. ثانیاً لعن یعنی طلب دوری از رحمت، و ما مدعی هستیم طلب دوری از رحمت، دلیل بر حرمت نیست، با کراهت هم می سازد، شاهد آن هم، روایاتی است که در موارد مکروه وارد شده است؛ مثل:

لعن الله ثلاثة؛ آكل زاده وحده، و راكب الفلاة

۱. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳.

وحده، والنائم فی بيته وحده؛^۱

سه نفر مورد لعن خداوند هستند: ۱. کسی که به تنهایی غذا خورد؛ ۲. کسی که به تنهایی در بیابان پای نهد؛ ۳. کسی که تنها در خانه بخوابد.

ان رسول الله ﷺ لعن الخامشة وجهها، و الشاقة جبيها، و الداعية بالويل و الثبور؛^۲

رسول خدا ﷺ بر چند کس از زنان لعن فرستاد: آن که بر صورتش چنگ اندازد، آن که گریبان بدرد و آن که به ناله و نفرین و هلاکت و زیان دعا کند.

لعن رسول الله ﷺ النائحة و المستمعة؛^۳

رسول خدا ﷺ بر نوحه‌گر و شنونده آن لعنت فرستاد.

۳. ما عن ياسر الخادم، عن الرضا عليه السلام قال: سألتُهُ
عَنِ الْمَيْسِرِ. قَالَ: التَّغْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَالَ الْخُبْرُ وَ
التَّغْلُ مَا يَخْرُجُ بَيْنَ الْمُتْرَاهِنِينَ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ
غَيْرِهِ.^۴

این روایت نیز، هم ارسال دارد و هم یاسر خادم

و ثاققتش ثابت نیست.^۵

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۳۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳. همان، ص ۴۵۳.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۵. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۰۷.

۴. صحیحہ معمر بن خلاد:

و كل ما قومر عليه فهو ميسر.^۱

هر چیزی که بر آن شرط بندی و گروگذاری شود
میسر است.

۵. خبر جابر:

عن ابي جعفر عليه السلام قيل: يا رسول الله! ما
الميسر؟ فقال: كل ما تقومر به حتى الكعاب و
الجوز.^۲

از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم درباره میسر سؤال شد، فرمود:
هر چه به آن قمار شود؛ حتی قاب و گردو.

شیخ استدلال را این طور بیان می فرماید:

و الظاهر ان المقامرة بمعنی المغالبة علی
الرهن؛^۳

مقارمه در برتری جویی بر عوض و گرو ظهور
دارد.

وجه استدلال در این دو روایت این است: از آنجا
که مقارمه به مطلق مسابقه بر عوض و گرو گفته
می شود، این دو حدیث بر حرمت عمومیت دارند.
ضعف استدلال نیز بسیار روشن است؛ چرا که مقارمه

۱. همان، ص ۳۲۳.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۳. المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

در مسابقات به عوض با آلات قمار ظهور دارد، نه در مطلق مغالبه؛ ضمن این که در خبر جابر، عمرو بن شمر ضعیف است.^۱

طبق آنچه گذشت، به طور خلاصه، به چند وجه در این روایات استدلال شده است:

۱. عمومیت قمار و این که این نحوه از مسابقات از مصادیق قمار است، که ما گفتیم قمار فقط بر مسابقات با آلات قمار با عوض صادق است.

۲. لعن ملائکه دلیل بر حرمت است، که ما این ادعا را نیز رد کردیم.

۳. با استفاده از روایت «حتی الکعب و الجوز» استدلال می شد این روایت در مقام بیان حرمت هر مسابقه با هرچیز است، که ما در جواب آوردیم این روایت نهایتاً می خواهد بگوید که مسابقات با اشیایی مثل اینها اشکال دارد و ربطی به مسابقات با افعال و اعمال، مثل کشتی، خطاطی و مسابقات حفظ و قرائت قرآن ندارد. به علاوه، این اخبار عموماً با ضعف سند روبه رو هستند.

۴. آیات

آیه شریفه:

«يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

وَالْأَنْصَابِ وَالْأَزْلَمِ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ
فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و
بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از
عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار
شوید!

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبَغْضَاءَ فِي الْأَخْمَرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ
اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾^۲؛

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در
میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از
یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و
فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید
کرد؟!؛

استدلال به این آیه‌ها به دو تقریب است:

الف: ازلام: برای روشن شدن وجه استدلال ابتدا
ازلام را توضیح می‌دهیم. ازلام قمار عربی را می‌گویند
که عبارت است از انداختن چوبه تیر، که به آن اقلام
هم گفته می‌شود. و اما چگونگی این بازی این‌طور
بوده که شتری را می‌خریدند و نحر می‌کردند، و آن را

۱. سوره مائده، آیه ۹۰.

۲. سوره مائده، آیه ۹۱.

بیست و هشت قسمت می‌کردند، آن‌گاه ده چوبه تیر - که یکی نامش فذ، و دوم توأم، و سوم رقیب و چهارم حلس، و پنجم نافس، و ششم مسبل، و هفتم معلی، و هشتم منیح، و نهم سنیح، و دهم رغد، بود - قرار می‌دادند، و همه می‌دانستند که از این بیست و هشت سهم یک جزء سهم فذ است، و دو جزء سهم توأم، و سه جزء سهم رقیب، و چهار جزء سهم حلس و پنج قسمت سهم نافس، و شش سهم از آن مسبل، و هفت قسمت - که از همه بیشتر است - از آن معلی است، و هشتم و نهم و دهم سهم نداشتند. آن‌گاه به شکل بخت‌آزمایی دست می‌بردند، و یکی از آن ده تیر را بیرون می‌آوردند، اگر فذ بیرون می‌شد، یک سهم از بیست و هشت سهم را به کسی که فذ را به نامش بیرون آوردند، می‌دادند و اگر توأم بیرون می‌شد، دو سهم، و همچنین و اگر یکی از سه چوبه منیح و سفیح و رغد به نام کسی درمی‌آمد، چیزی از آن سهام عایدش نمی‌شد؛ با این که صاحبان این سه سهم در دادن پول شتر شرکت داشتند و این عمل همیشه میان ده نفر انجام می‌شد، و در تعیین این که چه کسی صاحب فذ، و چه کسی صاحب توأم و یا آن هشت چوبه دیگر باشد، با قرعه تعیین می‌کردند.^۱

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۹۲.

استدلال به اِزلام به الغای خصوصیت از اِزلام به مطلق مسابقات به غیر آلات با عوض است؛ یعنی نه شتر و نه سهام خصوصیت دارد؛ یک نفر گوشت می‌برده و یک کسی هم می‌باخته است؛ شیئی را کسی مالک می‌شده و کسی هم ضرر می‌دیده است و در این مسابقات هم دقیقاً به همین شکل است؛ بنابراین، اینها هم باید حرام باشد.

اما این استدلال ناتمام است؛ زیرا:

اولاً، اِزلام قمار عربی است و ذکرش در این جا از باب متعارف و مورد ابتلای آن روز بوده است. قرآن هم - که در جامعه عرب و به زبان عربی نازل شده - عنایت داشته و این مورد را به عنوان یکی از موارد قمار ذکر کرده است؛ هم‌چنان که کلام علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این معنا صراحت داشت.

پس در این صورت، یعنی وقتی اِزلام از عناوین قمار شد، الغای خصوصیت از قمار به هر مسابقه و بازی حتی بدون آلات قمار درست نیست.

ثانیاً، بر فرض الغای خصوصیت، باید آنچه را که از آن الغای خصوصیت می‌کنیم به آنچه می‌خواهیم حکم را به آن تسری دهیم، شباهت داشته باشد. پس بنابراین از اِزلام - که آلات و ادوات بوده - الغای خصوصیت به مسابقه خوشنویسی - که مسابقه

در افعال و اعمال است - نمی توان کرد؛ یعنی اگر در این جا هم ابزار و آلات و وسایلی در کار بود، الغای خصوصیت ممکن بود، ولی در غیر این صورت چنین چیزی قبیح است.

ب: تمسک به عموم علت در آیه است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ
وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»^۱

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند.

بگوییم در تمام مسابقات و بازی ها، عداوت و بغضا وجود دارد، و «العله تعمم كما أنّها تخصص». (علت، همانطور که باعث اختصاص حکم فقط در موارد وجود علت می شود، باعث تعمیم و تسری حکم در تمام موارد وجود علت نیز می گردد). پس بنابراین، همه مسابقه های با عوض و گرو گذاری حرام است.

اشکالی که در این استدلال وجود دارد، این است که در مسابقه ها، آن عداوتی که در خمر و میسر است، وجود ندارد. خمر با عداوت و بغضا ملازمه دارد، طبع خمر عداوت است، طبع میسر کینه و عداوت است؛ زیرا «من يعمل بالميسر لا يترك بمرّة»، (یک بار که

۱. سورة مائده، آیه ۹۱.

باخت دست بر نمی‌دارد، آن قدر بازی می‌کند تا حتی زن و بچه‌اش را هم می‌بازد). در روایات^۱ هم به این موضوع اشاره شده بود. به طور طبیعی، این نحوه بازی بغض و عداوت می‌آورد. و این غیر از آن است که چند نفر خطاط یا فوتبالیست مسابقه بگذارند.

بنابر این، عموم علت را قبول داریم، ولی این علت، در این نحوه از مسابقات جریان ندارد. اگر در جایی مسابقه‌ای پیدا شد که این علت، به حسب طبع، در آن جا می‌آمد، آن مسابقه هم حرام است. پس استدلال به این آیه شریفه هم تمام نیست.

حدیث «لا سبق»

یکی دیگر از جوهری که به آن بر حرمت این گونه مسابقات استدلال شده، حدیثی است که از رسول الله ﷺ به طرق عامه و از امام صادق علیه السلام به صورت صحیح، به طرق خاصه نقل شده است:

لا سبق إلا فی خف أو حافر أو نصل...؛^۲

هیچ مسابقه‌ای صحیح نیست، جز شتردوانی یا اسب‌دوانی و یا تیراندازی.

قبل از ورود به بحث، ناچار به ذکر مقدمه‌ای

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

هستیم و آن این که واژه «سبق» در این جا چگونه قرائت می‌شود. آیا قرائت به سکون باء صحیح است و یا به فتح باء؟ نظر به این که هر یک از اینها در خود معنا و مفهوم متغایر نسبت به یکدیگر دارند و منشأ آرا و فتاوی‌ای مختلفی شده‌اند، تأمل و دقت بیشتری را می‌طلبد.

مرحوم شهید ثانی رحمته الله می‌فرماید:

و ربما رواه بعضهم بسكون الباء، و هو المصدر، أى لا يقع هذا الفعل إلا فى الثلاثة، فيكون ما عداها غير جاز، و من ثم اختلف فى المسابقة بنحو الأقدام، و رمى الحجر، و رفعه، و المصارعة، و بالآلات التى تشتمل على نصل، بغير عوض هل يجوز أم لا؟ فعلى رواية الفتح يجوز، و على السكون لا. و فى الجواز مع شهرة روايته بين المحدثين موافقة للأصل، خصوصا مع ترتب غرض صحيح على تلك الأعمال؛^۱

بعضی آن را به سکون باء روایت کرده‌اند که در این صورت معنای مصدر آن (مسابقه دادن) مراد خواهد بود؛ یعنی مسابقه دادن جز در آن سه مورد جایز نیست. به همین جهت در

۱. مسالک الأفهام، ج ۶، ص ۷۰.

مسابقه‌هایی مانند دویدن، پرتاب سنگ، کشتی و مسابقه با چیزهایی که تیر در آنها به کار می‌رود، البته بدون گروگذاری و عوض، آرا و نظریات مختلف است؛ بدین معنا که اگر روایت فتح گزیده شود، این مسابقه‌ها جایز و بنابر روایت سکون، این‌ها غیر جایزند. از آنجا که روایت فتح مشهورتر می‌باشد، گزینش آن بهتر و از طرفی موافق با اصل هم هست؛ خصوصاً که اگر اهداف صحیح و مصلحت‌آمیز پشتوانه آن بوده باشد.

نیز مرحوم فیض کاشانی رحمته الله در وافی چنین می‌آورد:
و السبق إن قرىء بتسکین الباء أفاد الحدیث المنع من الرهان فی غیر الثلاثة و إن قرىء بالتحریک، فلا یفید إلا المنع من الأخذ و الإیطاء فی غیرها دون أصل المسابقة؛^۱
و اگر به سکون باء «سَبَق» خوانده شود، حدیث در صدد بیان حرمت مسابقه با عوض و گرو در غیر موارد سه گانه است و اگر محرک (به فتح با) خوانده شود، حدیث می‌خواهد بفهماند فقط گروگذاری اشکال دارد و اصل مسابقه بلامانع است.

۱. الوافی، ج ۱۵، ص ۱۵۱.

اما صاحب ریاض رحمته از این حدیث بر حرمت هر مسابقه‌ای، مطلقاً جز در موارد سه‌گانه استفاده می‌کند؛ آنجا که می‌گوید:

لعدم امکان ارادة نفي الماهية، فتحمل على اقرب المجازات و هو اما نفي جميع احكامها التي منها الصحة و المشروعية او نفيها خاصة؛^۱

منظور از نفی نمی‌تواند اراده نفی ماهیت مسابقه باشد، چون به‌هرحال مسابقه در بین مردم جاری و ساری است. حال که منظور نفی حقیقی نیست، پس باید بر نزدیک‌ترین مجازها آن را حمل کرد. پس منظور از این نفی، یا نفی همه احکام از جمله صحت و جواز مشروعیت است و یا منظور فقط نفی صحت و جواز مشروعیت است.

که بر این مبنا هیچ مسابقه جایزی نیست، مگر در آن موارد سه‌گانه.

در برابر این نظر سختگیرانه یک نظریه کاملاً متفاوت از این حدیث استنباط شده است. مستنبط این رأی دقیق، فقیه محقق مرحوم مقدس اردبیلی رحمته و به دنبال او مرحوم فاضل سبزواری رحمته است.

محقق اردبیلی رحمته چنین می‌نویسد:

۱. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

و لا دلالة في الخبر على الوجهين على
التحريم اما على الأوّل فلما ذكر و لأنه قد يقال
معناه ان لا لزوم أو لا يملك للسبق و العوض
إلّا في هذه الثلاثة من بين الأسباب و الأفعال
التي يسابق عليها، فلا يدلّ على تحريم الفعل و
الملاعبة مع العوض و الرهانة أيضا، بل لا يدلّ
على تحريم العوض أيضا؛^۱

در این خبر در هیچ یک از دو حالت (فتحه و
سکون) دلالتی بر حرمت نیست، اما بنا بر
فتحه، چون احتمال دارد این گونه معنا شود که
لزومی در کار نیست، یا ملکیتی بر گرو و عوض
حاصل نمی شود، مگر در همین سه مورد از
مسابقات. پس دلالتی بر حرمت اصل بازی و
مسابقه حتی با عوض را ندارد، بلکه از این هم
بالاتر دلالتی بر تحريم عوض و گرو هم
ندارد....

محقق سبزواری رحمته الله در خصوص این حدیث
می گوید:

و لا يخفى أنّ الخبر الأوّل على الوجهين لا
يتعين معناه فيما ذكره، بل يحتمل غيره، فإنّه
على الفتح يحتمل أن «لا لزوم» أو «لا تملك»

۱ . مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

أو «لا فضل» للسبق و العوض إلتا فى هذه
 الثلاثة من بين الأفعال التى يسابق عليها.
 على هذا لا دلالة للخبر على تحريم الفعل و
 الملاعبة مع العوض أيضاً فى غير الثلاثة، بل
 لا يدل على تحريم العوض أيضاً. و على
 السكون يحتمل أن يكون معناه: لا اعتداد بسبق
 فى أمثال هذه الأمور إلتا فى الثلاثة. أو: لا فضل
 لسبق إلتا فى الثلاثة، فلا يكون دالاً على
 التحريم؛^۱

ایشان بعد از آن که انحصار معنای «سبق» را
 در آنچه مرحوم شهید ثانی رحمته الله نقل کرده رد می‌کند،
 این چنین می‌گوید:

احتمالاً در قرائت فتح، منظور از «لا سبق» نفی
 «لزوم» یا «ملکیت» و یا «فضیلت» در غیر موارد
 سه گانه از افعال و اعمالی که بر آن مسابقه داده و
 گروه‌گذاری می‌شود، باشد. در این صورت،
 دلیلی بر حرمت سایر مسابقه‌ها و عوض و
 گروه‌گذاری در آنها نخواهد بود و بنابر قرائت
 سکون، احتمال دارد این گونه معنا شود: اعتنا و
 اعتدادی در مسابقات به جز موارد سه گانه
 نیست یا فضیلت در هیچ مسابقه جز این موارد

۱. کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۷۱۸.

سه گانه نیست. در این صورت هم دلالتی بر
 تحریم سایر مسابقه‌ها نخواهد داشت.
 بر مبنای این دو بزرگوار مسابقه و گروگذاری در
 غیر موارد سه گانه معین در نصوص، نیز جایز است. به
 نظر ما هم این رأی به حقیقت نزدیک‌تر می‌نماید؛ از
 آن جهت که با حقیقت سهله و سمحه دین (مورد
 اشاره در حدیث نبوی):

بعثنی بالحنيفية السهلة السمحة.^۱

سازگارتر بوده و همچنین موافق اصل حلیت و
 جواز است، (البته بعد از بطلان ادله قایلان به حرمت)
 و نیز به عموماتی معتضد است؛ مثل:

المؤمنون عند شروطهم.^۲

و البته ناگفته نماند که نفی مفهوم فضل و کمال در
 روایت «لا سبق» مؤید است بر آنچه گفته می‌شود:

لا صلاة لجار المسجد الا في مسجده.^۳

که در واقع، نفی ماهیت و نفی صحت و جواز از
 نماز همسایه مسجد نمی‌کند، بلکه نفی کمال و فضل
 این گونه نماز را می‌نماید.

و نیز می‌توان بر جواز و حلیت به آیه شریفه زیر

۱. الکافی، ج ۵، ص ۴۹۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۷۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۹۴.

تمسک کرد:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَأْكُلُوا ءَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ

بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.

با الغای خصوصیت از تجارت به هر چیزی از افعال و اعمال انسان‌ها که می‌تواند درآمد داشته و نزد عقلا باطل نیست، این مسابقات در بسیاری از موارد به لحاظ اغراض و اهداف عقلایی موجود در آنها باطل نبوده، پس جایز است؛ خصوصاً اگر اغراضی چون سلامتی قوای فکری و بدنی و تقویت بنیه فکری در پی داشته باشد.

مرحوم صاحب جواهر - قدس سره - از منظر دیگری به این حدیث نگریسته و برداشت دیگری کرده است. حاصل کلام ایشان این است که «لا سبق» در صدد بیان عدم جواز سایر مسابقات (غیر موارد سه گانه) به عنوان عقد مسابقه است؛ چون شارع مقدس عقد مسابقه را در همین سه مورد قرار داده. پس اگر کسی بخواهد به عنوان مسابقه این کار را بکند، کار او

۱. سورة نساء، آیه ۲۹.

خروج از حد شرعی است؛ اما اگر به عنوان دیگری، غیر از مسابقه بیاورد، دلیل بر حرمتش نداریم و این حدیث ربطی به آن ندارد:

لكن ينبغى أن يعلم أن التحقيق، الحرمة و عدم الصحة إذا أريد إيجاد عقد السبق بذلك، إذ لا ريب في عدم مشروعيتها، سواء كان بعوض أو بدونه، و لو للأصل، فضلاً عن النهي في خبر الحصر. أما فعله لا على جهة كونه عقد سبق، فالظاهر جوازه، للأصل و السيرة المستمرة على فعله في جميع الأعصار و الأمصار من الأعوام و العلماء؛^۱

رأى صائب حاصل از تحقیق این است که، اگر این مسابقات با نیت و عنوان عقد مسابقه برگزار شود، مطلقاً حرام و ناصحیح است؛ چه با عوض و چه بدون آن. این رأی علاوه بر دلالت همین حدیث مطابق اصل هم هست؛ اما برگزاری آن نه در قالب و چارچوب عقد مسابقات، بلکه مطلق فعل بازی بدون عقد مسابقه به پشتوانه اصل و سیره مستمر مسلمین بر انجام این گونه مسابقات در زمانها و مکانهای مختلف در بین

۱. جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۲۱.

عالمان و غیر آنها، ظاهر این است که جایز باشد.
 بعد ایشان پای را فراتر نهاده، می فرماید:
 بل لا یبعد جواز اباحتها علی العوض علی
 ذلک و الوعد به مع استمرار رضاهما به لا
 علی أنه عوض شرعی ملتزم؛^۱
 بعید نیست بتوان قایل به جواز این مسابقات
 حتی با عوض شد؛ البته با استمرار رضایت
 طرف‌ها بر دادن جایزه، بنا بر وفای به عهد و
 وعده، و نه در قالب یک عقد شرعی الزام‌آور بر
 پرداخت عوض در مسابقه.

حقیقت مطلب این است که چنین برداشتی از این
 حدیث، تعبد بلاوجه است، و فهم این تعبد از این
 روایت عرفاً مشکل است؛ اگر نگوییم لغو است. چه
 فرقی می‌کند که مثلاً کشتی اگر به عنوان عقد مسابقه
 اجرا شود، حرام باشد، و اگر به عنوان عقد مسابقه اجرا
 نشد، همین مسابقه با حفظ تمام خصوصیاتش جایز و
 صحیح باشد؟

این گونه موارد از قراردادهای عقلایی است، و در
 قراردادهای عقلایی و بناهای عقلایی، تعبد به حرمت
 محتاج معونه زیاد است و بدون دلیل نمی‌شود قایل به
 حرمت چیزی شد؛ به عنوان مثال، خمر حرام است،

۱. همان، ص ۲۲۲.

چون مفسد زیادی دارد. اما بیع شیره، حلال است؛ چون مفسده ندارد، بلکه فوایدی هم دارد.

ثانیاً وقتی فرق بین حرمت و حلیت فقط به عقد السبق باشد، مردم برای این که کارشان را انجام دهند، بدون عقد السبق انجام می دهند، که در این صورت لغوی بودن پیش می آید.

شبهه آنچه امام خمینی علیه السلام در باب ربا می فرماید. ایشان می فرماید:

به حکم عقل می فهمیم حیل باب ربا درست نیست؛ برای این که شارع آمده یک جا ربا را به شدت حرام کرده و بعد خودش راه فرار از این حرمت شدید ایجاد می کند. این کار شارع موجب لغوی بودن در احکام می شود.^۱

از آنچه تاکنون گفتیم روشن شد که، مسابقات به غیر آلات و ابزار قمار اگر عرفاً از مصادیق قمار به حساب آید، و قمار بر آن صدق کند، مثل طاق و جفت و یا شیر و خطی که برای برد و باخت بازی می شود، این گونه بازی ها غیر جایز و عوض و مالی که از آن حاصل می شود نیز حرام است. و اگر قمار صدق نکرد، ولی غرض عقلایی هم در آن نیست، هر چند حرمت

۱. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۳.

تکلیفی ندارد، ولی موجب حرمت وضعی شده و تصرف در عوض و مال حاصل از آن خالی از اشکال نیست. دلیل حرمت وضعی، آیه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» است؛ چون این گونه موارد از مصادیق باطل عرفی است اما حرمت تکلیفی ندارد؛ چون هر لهُو و لعبی حرام نیست و برای اثبات حرمت لهُو و لعب احتیاج به دلیل خاص داریم. در نتیجه مسابقات و بازی‌ها با غیر ابزار و آلات قمار با عوض اگر از مصادیق قمار محسوب نشود و اغراض عقلایی هم در پی آنها باشد، هم جایز و هم موجب ملکیت و لزوم می‌شود و باید حق السبق پرداخت شود.

مسابقه با غير آلات قمار بدون عوض و گروگذاری

مرحوم سيد احمد خوانساری رحمته الله درباره این نحوه
از مسابقات این گونه می فرماید:

و الأكثر علی ما حکي علی التحريم بل ادّعي
الإجماع عليه و الظاهر أنّ مدرکهم عموم النهي
إلّا في الثلاثة، الخفّ و الحافر و النصل، و لفظ
السّبق في الرواية يحتمل أن يكون - محرکاً
بفتح الباء - و أن يكون بالسكون فعلى الأوّل
يرجع إلى عدم تملک العوض و الحرمة
الوضعيّة، و على الثاني يرجع إلى الحرمة
التكليفيّة بالنسبة إلى نفس الفعل، و مع
الاحتمال لا مجال للحکم بالحرمة، بل مع
احتمال السكون يمكن دعوى الانصراف إلى
صورة المسابقة مع العوض، و لا مجال
للاستدلال بحرمة اللّهُ و الباطل و قد يتعلّق

بهذه الأفعال غرض صحيح مورد لتوجه العقلاء
به كحفظ الصحّة و تقوية البدن في
المصارعة؛^۱

بیشتر فقها، طبق آنچه نقل شده، قایل به حرمت
در این مورد هستند، بلکه ادعای اجماع بر آن
شده و ظاهراً مدرک ایشان بر حرمت، همان
عموم نهی از مسابقه جز در موارد سه گانه است.
اگر در روایت «لا سبق» قرائت فتحه را بپذیریم،
فقط دلالت بر عدم تملک و حرمت عوض
می‌کند (حرمت وضعی) و در روایت سکون،
دلالت بر حرمت تکلیفی، یعنی نفس مسابقه. و
با وجود این احتمال، استدلال به این روایت بر
حرمت ناممکن می‌شود؛ بلکه حتی بر فرض
قرائت سکون، می‌توان ادعا کرد حرمت تکلیفی
هم منصرف به مسابقات با عوض باشد.
استدلال به حرمت لهو و لعب در این موارد
شایسته نیست؛ زیرا در برخی موارد به این گونه
افعال غرض عقلائی صحیح تعلق می‌گیرد؛ مثل
سلامتی و تقویت قوای بدنی در کشتی.
با توجه به آنچه گذشت، وضعیت صورت چهارم
مسابقات یعنی بازی با غیر آلات و وسایل قمار، بدون

۱. جامع المدارک، ج ۳، ص ۳۰

عوض از دیدگاه ما نیز روشن می‌شود؛ چرا که به اولویت حکم جواز در اینجا صادر می‌شود و احتیاجی به بحث ندارد؛ چون ادله‌ای که برای حرمت به آن استدلال شده، همان ادله قمار و میسر است که صدق آنها در صورت سوم راحت‌تر و با معونه کمتری بود، ما نپذیرفتیم و رد کردیم، و استدلال به لهو و لعب بودن این مسابقات نیز مردود است؛ زیرا اولاً، بسیاری از این افعال عرفاً و در واقع از مصادیق لهو و لعب نیستند؛ خصوصاً اگر از اغراض و اهداف عقلایی برخوردار باشند؛ مثلاً مسابقات ورزشی که با هدف سلامتی، تقویت قوای فکری و بدنی، جلوگیری از اعتیاد و مفاسد متعدد دیگر برگزار می‌شود. بر فرض اگر هم از لهو و لعب محسوب شود، هر لهو و لعب را نمی‌توان گفت حرام است و احتیاج به دلیل خاص دارد؛ و الا بسیاری از کارهایی که انجام می‌شود، باید حرام باشد.

نتیجه

بررسی دقیق و موشکافانه آیات و روایات ما را به این مسأله رهنمون می‌نماید که تنها مورد حرام از مسابقات، بازی با آلات و ابزار و وسایلی است که برای قمار ساخته شده است؛ آن هم در صورتی که برای برد و باخت و دست یابی به گرو و عوضی که برای این کار در نظر گرفته شده، انجام شود.

ادله حرمت قمار، چه آیات و چه روایات، بقیه اشکال مسابقات را شامل نمی‌شود؛ یعنی بازی با آلات و وسایل قمار بدون برد و باخت و گرو گذاری، و بازی و مسابقه بدون ابزار و وسایل قمار، چه با عوض و گرو گذاری و چه بدون آن، محکوم به جواز است؛ چه این که آن دسته از آیات و روایات که لفظ قمار و میسر در آنها به کار رفته، گفته شد از جهت لغوی و عرفی تنها بر مورد اول - که همان بازی با ابزار و آلات قمار است - صدق می‌کند.

عمده دلیل در این مسأله، همان روایات وارد شده در «کتاب السبق» بود که عموماً انجام مسابقات جز در موارد سه گانه منصوص در روایات را جایز نمی دانست. همان طور که گفته شد، ما این روایات را نهایتاً دلیل بر نفی افضلیت در سایر مسابقات دانستیم و نظر به این که بیشتر این مسابقات از اغراض عقلایی و اهداف بسیار مفید، مانند ترویج و اشاعه فرهنگ اسلامی در ابعاد بین المللی، پرورش روح جوانمردی، کشف و شناسایی فرهیختگان و نخبگان در مسابقات علمی و جلوگیری از مفاسد عظیمی چون اعتیاد و فحشا برخوردار هستند، قرار دادن آنها در زمره لهو و لعب و شمارش آنها از مصادیق لهو و لعب مورد نهی شارع مقدس، کاری دور از صلاح و ثواب به نظر می رسد.

کتابنامہ

۱. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی بن شعبه حرّانی (قرن ۴ق)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، ۱۴۰۴ق.
۲. تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تهران: چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ق.
۳. تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن الحرّ العاملي (م ۱۱۰۴ق)، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۴. تنقيح المقال، شيخ عبدالله المامقاني، نجف اشرف: مطبعة المرتضوية.
۵. جامع المدارك في شرح المختصر النافع، سيد احمد خوانساري، مؤسسة اسماعيليان للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ق.
۶. جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، محمد حسن

نجفی (م ٢٦٦٦ق)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، هفتم.

٧. ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، سید علی طباطبائی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ١٤١٨ق.

٨. زبدة البیان فی احکام القرآن، احمد بن محمد مقدس اردبیلی (م ٩٩٣ق)، قم: المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة، اول.

٩. صحیفه نور، امام خمینی علیه السلام، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

١٠. فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ١٣٨٠ش.

١١. الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی (م ٣٢٩ق)، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ١٣٨٨ق/١٣٥٦ش، ٨جلد.

١٢. کتاب البیع، امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.

١٣. کتاب المکاسب، شیخ مرتضی انصاری، دار الحکمة، ١٣٧٠ش.

١٤. الکشاف عن حقائق التنزیل، محمود بن عمر زمخشری (م ٥٣٨ق)، بیروت: دارالکتب العربی، سوم، ١٤٠٧ق.

۱۵. كفاية الاحكام، محقق سبزواری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۶. لسان العرب، ابن منظور، انتشارات دارالصادر.
۱۷. مجمع البحرين، شیخ فخر الدین طریحی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۸. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازهان، احمد مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، زين الدين بن علي بن احمد عاملي، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۳ق.
۲۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق)، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۲۱. مصباح الفقاهة، سيد ابوالقاسم خويي (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق).
۲۲. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خويي (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق)، قم: مركز نشر آثار شيعه، ۱۴۱۵ق.
۲۳. منتهی المطلب فی تحقيق المذهب، علامه حلي، مطبعة الحاج احمد آغا و محمود آغا، ۱۳۳۳ق.
۲۴. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، مؤسسة اسماعيليان.